

نشر و چاپ ایران
فارس

نامه‌های لودویگ ویتگنشتاین

ترجمه: حامد عرفان به پائول انگلمان



۹۳

نامه‌های لودویگ ویتگنشتاین

سرشناسه: انگلمان، پاول، ۱۸۹۱-۱۹۶۵م

Engelmann, Paul

عنوان و نام پدیدآور: نامه‌های لودویگ ویتگنشتاین به پائول انگلمان / پائول انگلمان

ترجمه حامد عرفان؛ ویراستار رضا روزبهانی

مشخصات نشر: تهران: نشر سیب سرخ، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۸۱ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۴۲-۷۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: c.۱۹۶۷, Letters from Ludwig Wittgenstein

موضوع: ویتگنشتاین، لودویگ، ۱۸۸۹-۱۹۵۱م. -- نامه‌ها

موضوع: Wittgenstein, Ludwig -- Correspondence

موضوع: فیلسوفان آلمانی -- نامه‌ها

موضوع: Philosophers -- Germany -- Correspondence

شناسه افزوده: عرفان، حامد، ۱۳۶۰-، مترجم

رده بندی کنگره: B۳۲۷۶

رده بندی دیویی: ۱۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۰۶۱۰۳

ترجمه: حامد عرفان

نامه‌های لودویگ ویتگنشتاین به پائول انگلمان



ناشر: سیب‌سبز

تهران - ۱۳۹۸

نامه‌های لودویگ ویتگنشتاین به پائول انگلمان

ترجمه: حامد عرفان

مقدمه: رضا روزبهانی

ویراستار: رضا روزبهانی

صفحه آرایشی: رقیه قنبری تقدیس

مدیر هنری و طراح جلد: ناصر نصیری

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: سازمان چاپ تهرانی

حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۶۴۴۲ - ۷۱ - ۸

نشر سیب سرخ

تهران، خیابان انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ پارسا، پلاک ۱۰۳

۶۶۹۷۳۱۸۳ ۶۶۹۷۲۹۷۶

www.nashresibesorkh.ir



فکر نکن هرچه را که تو نمی توانی بفهمی، مزخرف و بی معنی است.

(ویتگنشتاین)

به مادرم

فهرست

۹	فلسوف تنهایی
۱۳	مقدمه
۱۷	نامه‌ها
۱۸	۱
۱۹	۲
۲۰	۳
۲۱	۴
۲۲	۵
۲۴	۶
۲۵	۷
۲۶	۸
۲۷	۹
۲۸	۱۰
۲۹	۱۱
۳۰	۱۲
۳۲	۱۳
۳۳	۱۴
۳۴	۱۵
۳۵	۱۶
۳۶	۱۷
۳۷	۱۸
۳۸	۱۹
۳۹	۲۰

۴۰	۲۱
۴۱	۲۲
۴۲	۲۳
۴۵	۲۴
۴۶	۲۵
۴۷	۲۶
۴۸	۲۷
۵۰	۲۸
۵۲	۲۹
۵۳	۳۰
۵۴	۳۱
۵۵	۳۲
۵۶	۳۳
۵۸	۳۴
۵۹	۳۵
۶۱	۳۶
۶۳	۳۷
۶۴	۳۸
۶۵	۳۹
۶۶	۴۰
۶۷	۴۱
۶۹	۴۲
۷۰	۴۳
۷۲	۴۴
۷۳	۴۵
۷۴	۴۶
۷۵	۴۷
۷۶	۴۸
۷۷	۴۹
۷۸	۵۰
۸۰	۵۱
۸۱	۵۲
۸۲	۵۳
۸۳	۵۴

فیلسوف تنهایی

لودویگ یوزف یوهان ویتگنشتاین^۱ ۲۶ آوریل ۱۸۸۹، در وین چشم به جهان گشود. او هشتمین فرزند خانواده‌ای متمول بود. پدرش، کارل^۲، از صاحبان صنعت فولاد اتریش و از تباری یهودی بوده که به مذهب مسیحیت پروتستان گروید. مادرش، لئوپولدینه^۳، نیز وابسته به کلیسای کاتولیک رومی بود و خود ویتگنشتاین را در آن کلیسا غسل تعمید دادند.

دوران کودکی را تا سال ۱۹۰۳ در خانه درس خواند و چون یونانی بلد نبود، او را به دبیرستان رئال اسکول^۴ در لینتس^۵ فرستادند؛ جایی که آدولف هیتلر^۶ تحصیل می‌کرد و در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ با او هم مدرسه شد. در این دوره علاقه‌ی زیادی به فیزیک پیدا کرد. در سال ۱۹۰۸، پس از دو سال تحصیل مکانیک در دانشگاه فنی برلین^۷، برای تحصیل رشته‌ی هوانوردی رهسپار منچستر می‌شود. در دوره‌ی تحصیل دانشگاه، به علت علاقه‌ی زیادش به ریاضیات، کتاب‌های اصول ریاضیات^۸ (اثر برتراند راسل^۹) و مبانی علم حساب^{۱۰} (نوشته‌ی گوتلوب

1. Ludwig Josef Johann Wittgenstein

2. Karl Wittgenstein

3. Leopoldine Maria Josefa Kalmus

4. Realschule

5. Linz

6. Adolf Hitler

7. Technische Hochschule in Charlottenburg, Berlin

8. *Principia Mathematica*

۹. Bertrand Russel: ۱۸۷۲ - ۱۹۷۰؛ فیلسوف، منطق‌دان، جامعه‌شناس، ادیب انگلیسی و برنده‌ی جایزه‌ی نوبل؛ و از دوستان و حامیان همیشگی ویتگنشتاین.

۱۰. The Foundations of Arithmetic. به آلمانی: Die Grundgesetze der Arithmetik.

فرگه^۱) را می‌خواند. برای نشان دادن نوشته‌های فلسفی خود در زمینه‌های ریاضیات و منطق به دیدار فرگه در ینا^۲ می‌رود. فرگه به او سفارش می‌کند برای این‌که زیر نظر راسل تحصیل کند به دانشگاه کمبریج^۳ برود.

در سال ۱۹۱۱ پیرو ارائه‌ی دست‌نوشته‌هایش و بحثی طولانی با راسل بر سر آن‌ها، در رشته‌ی مبانی منطق و منطق ریاضی کالج ترینیتی^۴ قبول می‌شود و در کلاس‌های جورج ادوارد مور^۵ شرکت می‌کند. با مشاهده‌ی پیشرفت‌های چشم‌گیر او استادانش به نبوغ فلسفی وی پی می‌برند. راسل و مور هر دو گفته‌اند که آشنایی با ویتگنشتاین یکی از هیجان‌انگیزترین ماجراهای فکری زندگی‌شان بوده است.

با مرگ پدرش در ۱۹۱۳، ثروت کلانی به ارث می‌برد. به صورت ناشناس صد هزار کرون به شاعران و هنرمندان نیازمند (از جمله راینر ماریا ریلکه^۶، اسکار کوکوشکا^۷ و گئورگ تراکل^۸) اهدا می‌کند. با شروع جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۱۴ داوطلبانه وارد ارتش اتریش - مجارستان می‌شود. در جبهه‌های جنگ به تفکر درباره‌ی مسائل فلسفی ادامه می‌دهد و آرای خود را در دفترهای یادداشتی که در کوله‌پشتی‌اش حمل می‌کرد، می‌نوشت. در ژوئیه‌ی ۱۹۱۸ رساله‌ی منطقی - فلسفی^۹ را به پایان می‌رساند، اما در نوامبر همان سال به اسارت ایتالیایی‌ها در می‌آید و تا آگوست سال بعد دوران اسارتش را می‌گذراند. نسخه‌ی دست‌نویس رساله را از اسارتگاهش در مونت کاسینو^{۱۰} برای راسل ارسال می‌کند. این کتاب در سال ۱۹۲۱ با پیش‌گفتار راسل در مجله‌ی اتریشی سالنامه‌ی فلسفه‌ی طبیعی^{۱۱} منتشر می‌شود.

۱. Friedrich Ludwig Gottlob Frege: ۱۸۴۸ - ۱۹۲۵؛ ریاضی‌دان، منطق‌دان و فیلسوف برجسته‌ی آلمانی که سهم بسزایی در پیدایی منطق نوین داشت.

۲. Jena: از شهرهای آلمان

3. University of Cambridge

4. Trinity College, Cambridge

۵. George Edward Moore: ۱۸۷۳ - ۱۹۵۸؛ فیلسوف انگلیسی. از بنیان‌گذاران فلسفه‌ی تحلیلی به همراه ویتگنشتاین و راسل؛ و همچنین از حامیان ویتگنشتاین.

۶. Rainer Maria Rilke: ۱۸۷۵ - ۱۹۲۶؛ بزرگ‌ترین شاعر اوائل قرن ۲۰ آلمان.

۷. Oskar Kokoschka: ۱۸۸۶ - ۱۹۸۰؛ شاعر و نقاش اکسپرسیونیست اتریشی.

۸. Georg Trakl: ۱۸۸۷ - ۱۹۱۴؛ شاعر اکسپرسیونیست اتریشی.

9. Logisch-philosophische Abhandlung

10. Monte Cassino

۱۰. Annalen der Naturphilosophie: نشریه‌ای علمی که طی سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۲۱ توسط Wilhelm Ostwald (ویلهم استوالد) - متخصص شیمی فیزیک، فیلسوف و نقاش - منتشر می‌شده است.

راسل از ویتگنشتاین چنین یاد می‌کند: کامل‌ترین نمونه‌ای بود که من از نبوغ، به مفهوم سنتی آن شناختم؛ پرشور، عمیق، جدی و سلطه‌جو.

ویتگنشتاین مانند اسپینوزا^۱ ریاضیات آرمانش بود و آرزو می‌کرد که تمام فلسفه را به شکل ریاضی برگرداند. او در عین ستایشش از منطق، به تدریج دریافت که منطق هم نوعی اندیشیدن ابداعی انسان است و شاید طبیعت بی‌قاعدگی‌ها و نامعقولی‌هایی داشته باشد که در فلسفه مستقر نباشد.

راسل می‌نویسد: من نمی‌دانم که نظریه‌های ویتگنشتاین درست است یا نه؛ اما از ته دل آرزو می‌کنم درست نباشد. که اگر درست باشد، ریاضیات و منطق به گونه‌ای باورنکردنی مشکل می‌شوند. ویتگنشتاین نه فقط امید یافتن ساخت جهان را در منطق از دست داد، بلکه نسبت به پالودن منطق و فلسفه از نامعقولی‌ها به مرز ناامیدی رسید. شاید زیادی تب‌وتابش بود که او را از پای درآورد. شاید در برخوردی چنین جدی با منطق و فلسفه اشتباه می‌کرد. جای خوش‌وقتی است که وارثان او (یعنی فیلسوفان تحلیلی^۲) آن‌شکل جنون را تحت کنترل خود درآورده‌اند و آن را در چارچوب بی‌زیانی رام کرده‌اند. با این همه بسیاری او را بزرگ‌ترین فیلسوف قرن ۲۰ می‌دانند.

ویتگنشتاین که عقیده داشت تمام مسائل فلسفی را در رساله حل کرده، فلسفه را به کناری نهاد و بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۶ در روستای تراتنباخ^۳ و مدارس روستاهای دیگر اتریش به تدریس پرداخت. نهایتاً به دنبال دعوایی حقوقی مجبور می‌شود از آن‌کار دست بکشد. چند ماهی در صومعه‌ای باغبانی کرد. این زندگی توأم با قناعت و انضباط او را خوش می‌آمد. حتی زمانی در نظر داشت که برای همیشه زندگی رهبانی را در پیش گیرد، اما نتوانست به عقایدی که

۱. Baruch Spinoza: باروخ اسپینوزا؛ ۱۶۳۲-۱۶۷۷؛ فیلسوف بزرگ هلندی و نماینده‌ی تام و کمال مکتب اصالت عقل در قرن ۱۷.

۲. منابعی که در زمینه‌ی Analytic philosophy: فلسفه‌ی تحلیلی موجود است دیده شود.

3. Trattenbach

این شکل زندگی بر آن‌ها مبتنا دارد معتقد شود. سپس دوسالی را صرف طراحی خانه‌ای در وین کرد.

شخصیت او پیچیدگی جذابی داشت. یکه و تنها و در عین حال مهربان و دل‌سوز بود. همان‌طور که ایمانوئل کانت^۱ می‌خواست نقد تحلیلی فکر انسان را انجام دهد، ویتگنشتاین می‌خواهد نقد تحلیلی زبان بشر را برعهده گیرد. فلسفه، زندگی ویتگنشتاین محسوب می‌شد. برای این‌که به تنهایی بیندیشد و کار کند، کلبه‌ی محقری را در برگن^۲ برگزید.

معتقد بود برگردان انگلیسی رساله از عهده‌ی بیان آن‌چه به آلمانی گفته است برنیامده. او نه از این ترجمه رضایت داشت و نه از مقدمه‌ای که راسل بر آن نوشته بود.

ویتگنشتاین ۲۹ آوریل ۱۹۵۱ در کمبریج درگذشت. آخرین جمله‌ای که بر زبان آورد این بود: به آن‌ها بگویند زندگی فوق‌العاده‌ای داشتم.

ترجمه‌ی نامه‌ها را در فصلی سرد آغاز و در فصلی سردتر تمام کردم. پائول انگلمان کتاب را به مادرش تقدیم کرده است. به تعبیری می‌توانیم این اثر را کتاب مادر بدانیم. ترجمه‌ی نامه‌های ویتگنشتاین را به مادرم - مهناز عرفان - تقدیم می‌کنم می‌ماند تشکر از پدرم - حمید عرفان - که اصل کتاب را در اختیار من قرار داد.

حامد عرفان.

تهران.

۱۳ آذرماه ۱۳۹۷ خورشیدی

۱. Immanuel Kant: ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴؛ فیلسوف برجسته‌ی آلمانی، بزرگ‌ترین نماینده‌ی مکتب اصالت عقل و از مهم‌ترین فلاسفه‌ی

دوره‌ی روشنگری.

۲. Bergen: از شهرهای نروژ

مقدمه

آن چه که می تواند ویتگنشتاین را برای ما دوست داشتنی کند، منهای نقش مهم و عمده ای که در شکل گیری نظریه ها و گفتمان های نو در فلسفه داشته، روحیاتی است که باعث شباهت شگفت انگیز او با انسان فرزانه ی شرقی شده. شکل دلتنگی هایش، تنهایی جویی اش، وارستگی اش از مادیات، تسلط و تفوق بی چون و چرای کاریز ماتیک و بلکه مرادگونه اش در مدارس و دانشگاه ها بر شاگردان و در پیچیده ترین مباحث علمی بر قراینش. از همین جاست و از آرای لون به لونس که باید او را پیوندی (اگر چه نه چندان محسوس) میان فلسفه و عرفان دانست؛ اگر چه از جمع گفتارها و نوشتارهای او نتوان با قطعیت در مورد مؤمن بودن یا نبودنش نظر داد. هم در این نامه هاست (در مفصل ترین شان - نامه ی ۴۳) که در نقدی بر سلطان قصر سیاه (در این جا شاه اتاق تاریک ترجمه شده) از اشرافش بر حکمت شرقی و مسیحی مطلع می شویم. هم در این نامه هاست که مدام بر تلون و تغیر حال درون و برون خود اشاره می کند. در نامه هایی که ویتگنشتاین به انگلمان نوشته متوجه چنین وضعیتی می شویم که او در شرایطی و دوره هایی که لابد متمکن نبوده، از ایثارِ حداقل اموال خود دریغ نکرده. و از اوست که: «فلاسفه هیچ کدام آن اندازه که افلاطون به حقیقت نزدیک شده بود، نزدیک نشده اند.» تأکید ویتگنشتاین بر مقوله ی سکوت و خموشی در رساله نیز، در مفهومش و نه کارکرد، بی ارتباط با عرفان نیست. به این دو فرآز از ابتدا

و انتهای رساله توجه کنید: «آن چه را اصلاً بتوان گفت، می‌توان به روشنی بیان نمود و آن چه درباره‌اش نتوان سخن گفت باید درباره‌ی آن خاموش ماند.» و «آن چه درباره‌ی آن نمی‌توان سخن گفت باید درباره‌اش خاموش ماند.» او در این کتاب (رساله‌ی منطقی - فلسفی) در صدد است تا با ایجاد خط تمایزی میان دو سطح از امور، نگاهی منطقی و دقیق به جهان داشته باشد. به اعتقاد ویتگنشتاین متافیزیک، اخلاق و دین همه به قلمرو امر متعالی تعلق دارند که نمی‌توان درباره‌ی آن چیزی گفت، بل که تنها می‌توان آن را نشان داد. و البته که او شاید در بیش تر و بلکه تمام عمرش همیشه مبتلا به افسردگی‌های شدیدی بوده که این را ما (حتی در همین نامه‌ها) خاصه در دوره‌هایی از ابتدای جوانی‌اش که باید ماحصل کشف و شهودهایش را در انتشار رسالاتش می‌دیده و مدام از طرف ناشران مختلف با موانع جدی و ناکامی مواجه می‌شده می‌بینیم. به راستی این وضعیت چه شباهت غم‌افزایی با تجربیات صادق هدایت ما دارد. و لابد کسی که دلی در گرو متون حکمی فارسی دارد و سری در سودای آرای خیره‌کننده‌ی ویتگنشتاین، چه همانندی‌هایی که در عتاب و خطاب‌های این عجب‌و به با انگلمان از سویی و عین القضا با مخاطبش در نامه‌ها نخواهد دید. ویتگنشتاین نامه‌نگاری‌های زیادی با اشخاصی چون برتراند راسل، لودویگ فون فیکر^۱، فرانک رمزی^۲، جان مینارد کینز^۳، پی‌یرو سرافا^۴، جورج ادوارد مور، آدولف لوز^۵، پائول انگلمان و افراد دیگر داشته. در غرب جز مجموعه‌هایی از

۱. Ficker Ludwig von.: لودویگ فون فیکر ۱۸۸۰-۱۹۶۷؛ پژوهشگر و ناشر اتریشی. طی سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۲۰ ویتگنشتاین با او مکاتباتی داشته که به صورت کتاب چاپ شده است.

۲. Frank Plumpton Ramsey: فرانک پلامتون رمزی ۱۹۰۳-۱۹۳۰؛ اقتصاددان و فیلسوف انگلیسی و از دوستان نزدیک ویتگنشتاین. در چاپ و ترجمه‌ی رساله و شکل‌گیری پژوهش‌های فلسفی (*Philosophische Untersuchungen*) و همچنین در مهاجرت ویتگنشتاین به بریتانیا کمک‌های درخوری به او کرده.

۳. John Maynard Keynes: جان مینارد کینز ۱۸۸۳-۱۹۴۶؛ اقتصاددان انگلیسی و از بزرگ‌ترین عالمان این رشته در قرن ۲۰؛ در دوره‌ی قدرت گرفتن نازیسم در آلمان، برای اخذ تابعیت بریتانیا به ویتگنشتاین کمک شایانی کرده است.

۴. Piero Sraffa ۱۸۹۸-۱۹۸۳؛ اقتصاددان برجسته‌ی ایتالیایی و از دوستان نزدیک ویتگنشتاین. در دوره‌ی کمبریج بیش‌ترین مباحثات ویتگنشتاین در میان اطرافیان با او بوده.

۵. Adolf Loos: آدولف لوز ۱۸۷۰-۱۹۳۳؛ معمار و طراح اتریشی و از پیش‌تازان و سرآمدان معماری مدرن؛ از دوستان ویتگنشتاین و مخاطب این نامه‌ها. پائول انگلمان - بوده است.

مکاتبات او با اساتید کمبریج که چندین مرتبه با شکل‌های مختلفی چاپ شده‌اند، مجموعه‌ی نامه‌نگاری‌هایش با فون فیکر و انگلمان از نیمه‌ی دوم قرن ۲۰ چاپ و منتشر شده‌اند. از آن میان (عمده‌ی) مکاتباتش با فون فیکر و انگلمان پیش از این، در سال ۱۳۸۱ با عنوان «لودویگ ویتگنشتاین: نامه‌هایی به پانول انگلمان و لودویگ فون فیکر» با برگردان امید مهرگان به فارسی و توسط نشر فرهنگ کاوش در قالب یک کتاب منتشر شده‌اند و با وجود گذشت نزدیک به دودهه، چاپ جدیدی از آن ترجمه در دست نیست. از کیفیت ترجمه‌ی پیشین درمی‌گذرم و در این جا به این نکته اشاره می‌کنم که در ترجمه‌ی حامد عرفان (که از روی کتاب *Letters from Ludwig Wittgenstein with A Memoir* طبع ۱۹۶۷ در آکسفورد) صورت گرفته، ضمن دقت کافی و وافی مترجم در انتخاب معادل‌های فارسی برای اسامی خاص و اصطلاحات (کاری که علاوه بر پایه قرار دادن متن آلمانی، با نسخه‌ی انگلیسی هم مطابقت داده شده)، توضیحات و اطلاعات زیادی نیز توسط این جانب (علاوه بر کار ویراستار انگلیسی) برای روشن شدن زوایای مختلف مسائلی که در نامه‌ها و مقاله‌ی مترجم بدان‌ها اشاره شده و همچنین معرفی حداقلی اسامی اشخاص و آثار و اماکن، به عنوان حاشیه‌هایی، به متن اضافه گردیده که خواننده را به فهم بیش‌تر موضوعاتی که طرح شده و اشارات ویتگنشتاین رهنمون می‌کند. همچنین، علاوه بر آن، ضبط لاتینی تمامی اعلام نامه‌ها و مقاله‌ی آغازین را نیز در پانوشتهای صفحات درج کرده‌ام. در متن و پانوشته نامه‌ها هرچه با دو کروشه (چنگک: [[]]) آمده از متن آلمانی یا انگلیسی کتاب است و توضیحاتی نیز توسط من در تک‌کروشه ([]) به متن اضافه شده. علاوه بر این پانوشته‌های بدون کروشه توسط من درج شده‌اند. در کتابی که پایه‌ی ترجمه قرار گرفته مقدمه‌ها و مقالات چندی نیز موجود است که در برگردان حامد عرفان نیامده‌اند.

و اما، پانول انگلمان معمار و طراح اتریشی است که بیش‌تر سال‌های زندگی‌اش را در اتریش و وین گذرانده. تحصیلات دانشگاهی‌اش را سال ۱۹۱۴ در دانشگاه فنی وین به پایان رساند و بعدتر به عنوان دستیار آدولف لوز (که از

ممتازترین معماران و طراحان اروپا بوده) به فعالیت حرفه‌ای پرداخت. از اواسط دهه‌ی ۱۹۱۰ باب دوستی او به واسطه‌ی ارتباطش با لوز از یک طرف و از جانب دیگر با کارل کراوس (به عنوان منشی خصوصی کراوس) باز می‌شود. نخستین نامه‌ی ویتگنشتاین به او از ماجرایی طراحی پروژه‌ای توسط لوز حکایت می‌کند که قرار است انگلمان برای ویتگنشتاین اجرایش کند. طی همین دهه و در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۱۹۲۰، انگلمان خانه‌هایی را در وین به سفارش ویتگنشتاین و خواهرش، مارگارته استونبورگ^۱، برای آن‌ها می‌سازد. هم در این سال‌ها واسطه‌ی ارتباط او با لوز، کراوس و ناشران اتریشی-آلمانی می‌شود. عمده‌ی مکاتبات ویتگنشتاین با او هم طی همین سال‌ها، جز ابراز احساسات و دغدغه‌های روزمره‌اش، به مشکلات او در چاپ و نشر آثارش و در وهله‌ی بعد به مسائلی چون تعیین قرار ملاقات و همکاری‌شان در ساخت خانه‌ها مربوط است. در اواخر سال ۱۹۲۵ روابط کاری و دوستانه‌ی این دو به دلایلی، از جمله اتمام کارهای مشارکتی آن‌ها در معماری و سفرهای ویتگنشتاین به نروژ و انگلستان، رو به سستی می‌گذارد. با شروع جریان یهودستیزی در زمان قدرت گرفتن نازی‌ها در آلمان و متعاقبش پیوستن اتریش به آلمان (۱۹۳۸) ابتدا انگلمان، در سال ۱۹۳۴، برای همیشه به فلسطین مهاجرت می‌کند و بعدتر ویتگنشتاین به انگلیس (۱۹۳۸). و این پایانی می‌شود بر دوستی ۱۰ ساله‌ی این دو. ویتگنشتاین آخرین نامه‌اش را به مورخه‌ی ۱۹۳۷/۶/۲۱ از کالج ترینیتی کمبریج به آدرس برادر انگلمان (پیتر انگلمان^۲) در وین ارسال کرده است.

رضا روزبهانی

مهرشهر.

۱۷ مرداد ۱۳۹۸ خورشیدی

1. Margarethe Stonborough-Wittgenstein: 1882- 1958

۲. Peter Engelmann: ۱۸۹۲- ۱۹۳۹؛ کاریکاتوریست

نامه‌ها

۱

۱۹۱۶/۱۲/۲۵

آقای انگلمان^۱ عزیز!

امروز دیدار کوتاهی با لوز^۲ داشتم. هنوز فرصت نکرده کار را شروع کند، اما گفت شما در مدت ۱۴ روز طرح‌ها را دریافت خواهید کرد. با این حال سوگند می‌خورم که این کار نیز آغاز نخواهد شد. از حال خودتان برایم بنویسید و این‌که به چه کاری مشغول هستید. به یاد من باشید و سلام مرا به خانواده‌تان برسانید.

ارادتمند شما

لود(ویگ) ویتگنشتاین

۱. Paul Engelmann: پانول انگلمان ۱۸۹۱-۱۹۶۵: نویسنده و معمار اتریشی و از دوستان نزدیک ویتگنشتاین. انگلمان همچنان که در پانوشتهای دیگر اشاره خواهد شد، منشی خصوصی کارل کراوس، معمار یکی از خانه (پروژه)های ویتگنشتاین و همچنین شاگرد آدولف لوز است که در این نامه‌ها به اسم او نیز اشاره شده است.
۲. آدولف لوز، برای لوز پانوشتهای مقدمه دیده شود.

۱۹۱۷/۱/۴

آقای انگلمان عزیز!

لوز دروین^۱ نیست. در ۱۲/۲۵ [۱۹۱۶] به تیرول^۲ رفت و می‌خواست دیروز (۱/۳) برگردد. بنابراین احتمالاً شنبه این‌جا خواهد بود. من شنبه عصر حرکت می‌کنم، برای همین دیگر نمی‌توانم شما را ببینم. فریتس تسوایگ^۳ نزد من بود. من احتمالاً در کوتاه‌ترین زمان به جبهه برمی‌گردم. امیدوارم که حال و روز همه‌ی ما خوب باشد!

درودهای صمیمانه به شما و خانواده‌تان.

لود (ویگ) ویتگنشتاین

۱. Wien: پایتخت اتریش

۲. Tyrol: از ایالت‌های غربی اتریش

۳. Fritz Zweig: ۱۸۹۳-۱۹۸۴، رهبر ارکستر و آهنگساز آلمانی-امریکایی